

## فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۷ [انتشار: پاییز ۱۳۹۹]

سرمسخر: اندر نگاهداشت جانب اهل وفا • تلفظ صامت‌های عربی «ض» و «ظ» در زبان فارسی / علی‌اشرف صادقی • درباره تاریخ تألیف نزهة المجالس جمال‌الدین خلیل شروانی و نمونه خط شمس‌الدین جونی اول / عبداللّٰه شیخ‌الحکامی • رباعیات خیتام، بررسی دستنویس محمد قوام / سید علی میرافشلی • نسخه‌های تازه‌یافت از معدن‌الذکر در مجارستان / عارف نوشاهی • اشعار کافی ظفر در سفینه صائب / محسن ذاکرالحسنی «پوند» • ابیاتی نویافته از آفرین‌نامه ابوشکور بلخی / سید محمدحسین حکیم • شهید بلخی، شاعر و فیلسوف هم‌عصر رازی / فرانسوا بلوا، ترجمه: میرسالار رضوی • یادگار تصویری چاپ سنگی زیارت کربلای معلى / علی بودری • دگرگونی دو وزن دوری‌شده، بررسی تاریخی و تحلیل موسیقایی / بهرام بنائی • معرفی و تصحیح فرسنامه‌ای کهن / یاسین اسماعیلی • ترجمه‌ای کهن از قصیده نوبه ابوالفتح بستی / فاطمه شاملو • مجله مولانا رومی (جلد ۲۰، ۲۱) / مجالدین کیوانی • شعر تغزلی فارسی در دوران کلاسیک، ۸۰۰-۱۵۰۰: غزل، قصیده و رباعی / مجالدین کیوانی • دستور الملوک میرزا رفیعا با ملاحظاتی درباره دو متن مشابه آن / علی صفری آق‌قلعه • نگاهی به فرهنگنامه توصیفی پزشکی در شعر کهن فارسی / اکبر حیدرانی • نگاهی به تصحیح خلاصه الاشعار و زیادة الافکار (بخش قزوین، گیلان و دارلرز و نوا) / مرتضی موسوی • نقد و بررسی دیوان اشعار شهاب‌الدین عماد بخارایی / محسن شریفی صحنی • مروری بر کتاب ان‌لئون در عرصه علم و سیاست / هدیه رهبری • ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۵) / ستایش دشتی • آثار پیکوی ابراهیم افندی / نصرالله صالحی • چند نکته درباره ابوعلی تیرانی (تیرانی) / اکبر نعمی • ابوعلی تیرانی، صاحب کتاب المصداق / سید احمدرضا قائم‌مقامی • عبید یا عبید زاکانی، درنگی بر اشعار منسوب به عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / فرنام حقیقی • خودنقادی، ذیلی بر مقاله پیشین نگارنده / محسن شریفی صحنی





بوده‌است، سراینده این دو قصیده نیست.

از جمله قرائنی که نگارنده را مجاب کرده‌بود که این اشعار از عبید زاکانی است، یکی شکل خاص تخلص عبید در ابیات پایانی غزل‌ها بود. عبید زاکانی نام خویش را با اوصافی چون «بیچاره»، «مسکین»، «بی‌نوا» و «سرگشته» ترکیب می‌کند و این از ویژگی‌های شعری اوست که هم در دیوان چاپی و هم در اشعار محل بحث مشاهده می‌گردد. دیگر اینکه از عبید دهلوی فقط دو بیت باقی مانده‌است.

جالب توجه اینکه شاعر دو قصیده مذکور در قصیده دوم خویش تخلص خود را «بیچاره عبید» آورده‌است، یعنی همانگونه که عبید زاکانی در بسیاری از اشعار خویش، تخلص خود را با صفاتی از این دست همراه می‌کند. اما نکته اساسی این است که این نوع ترکیب‌سازی با تخلص در غزل سده هشتم و شعر شاعران دیگر نیز وجود دارد و منحصر به عبید زاکانی نیست؛ به‌ویژه در اشعار خسرو دهلوی نیز این طرز تخلص وجود دارد. از این رو به نظر می‌رسد شاعر این دو قصیده، شاعری معاصر با علاءالدین محمد خلجی بوده و به مانند عبید زاکانی و دیگر شاعران سده هشتم، از تخلص همراه با صفت بهره می‌گرفته‌است.

تنها شاعری که هم‌نام و تقریباً هم‌دوره عبید زاکانی است همان عبید دهلوی است که در متن مقاله پیشین معرفی شده و تا پیش از این فقط دو بیت از وی شناخته شده‌بود. چنانکه در متن مقاله آورده‌ام، نام شاعر در پیمانی اشعار جدید، فقط «عبید» و بدون نسبت «زاکانی» است. با توضیحات و اقامه دلایل جدید، آیا این احتمال وجود دارد که سیف جام هروی عامدانه بین «عبید زاکانی» و «خواجه/ مولانا عبید» فرق گذاشته‌باشد و اشعار مورد نظر از عبید دهلوی باشد؟ با این اوصاف، آیا می‌توانیم غزل‌ها را نیز به مانند قصاید، به عبید دیگری جز عبید زاکانی نسبت بدهیم؟ آیا سیف جام هروی، ۲۱ غزل و دو قصیده از شاعر هندی، یعنی عبید دهلوی، در کتاب خویش ضبط کرده‌است؟ شاعری که در هیچ منبعی، جز همان دو بیت ذکر شده در مقاله، هیچ شعر و بیت دیگری به‌نام

## خودانتقادی

### ذیلی بر مقاله پیشین نگارنده

محسن شریفی صبحی

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مشهد  
mohsen.sharifi66@yahoo.com

در شماره اخیر نشریه گزارش میراث مقاله‌ای از راقم این سطور به‌نام «اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف» منتشر شده‌است. معرفی ۲۱ غزل و ۲ قصیده نویافته از عبید زاکانی حاصل تلاش نگارنده در این مقاله بود و به این نتیجه رسید که ۱۸۵ بیت به شمار ابیات عبید زاکانی افزوده‌است.

اما پس از چاپ آن مقاله، با نکته‌بینی دوست عزیز، آقای احسان آسایش، معلوم شد که دو قصیده یادشده در مدح «علاءالدین محمد خلجی» سروده شده و نگارنده به اشتباه آنها را در مدح «علاءالدین محمد وزیر» دانسته‌است. شاعر برای مدح علاءالدین، از لقب «اسکندر ثانی» بهره گرفته که در برخی متون، مخصوصاً برای شاه خلجی آمده‌است، چنانکه صاحب کنز الفوائد او را «علاءالدین والدین ابوالمظفر محمد شاه السلطان سکندر ثانی» خوانده (شهاب انصاری، ۱۹۵۶م: ۲) و ضیاء برنی در تاریخ فیروزشاهی او را «اسکندر ثانی السلطان الاعظم علاءالدین والدین محمدشاه خلجی» نامیده‌است (ضیاء برنی، ۱۸۶۲م: ۲۴۰).

شاعر، در دو قصیده محل سخن، به فیل‌گیری ممدوح پرداخته و این حیوان نسبتی با زادگاه عبید زاکانی ندارد و قطعاً شاعر به هندوستان و غنیمت گرفتن فیل‌ها توسط ممدوح، پس از پیروزی در جنگ، اشاره دارد. همچنین شاعر این دو قصیده در بیت پانزدهم از قصیده اول، از «خضرخان»، فرزند علاءالدین محمد خلجی، نام برده که معلوم می‌کند عبید زاکانی، که در آن سال‌ها نوجوان

وی ثبت نشده است.

محکم‌ترین دلیلی که می‌تواند شاعر غزل‌ها را از شاعر قصاید (عبید دهلوی) مجزا کند، از بین رفتن اشعار عبید دهلوی است، به نحوی که در حد جست‌وجوهای نگارنده، جز همان دو بیت، هیچ شعری از وی به جا نمانده است. هرچند دسترسی سیف جام هروی، که مجموعه لطایف را در هندوستان کتابت کرده، به اشعار این شاعر دهلوی امری غیر ممکن نیست. همچنین این احتمال نیز دور از ذهن نیست که با توجه به چینه‌اشعار در مجموعه، و توالی اشعار حافظ، عبید و کمال خجندی، سیف هروی از عبید، شاعر زاکانی را تلقی کرده و آگاهانه اشعار شاعران قرن هشتمی را پی در پی ذکر کرده باشد.

بهترین احتمالی هم که در جهت نسبت تمامی اشعار به شاعری جز عبید زاکانی می‌توان ارائه کرد، قبول عامدانه و آگاهانه بودن تفاوتی است که سیف جام هروی بین دو عبید با ذکر نسبت «زاکانی» و عنوان «خواجه/مولانا» برای آن دو قائل شده است. اگر چنین باشد، تمامی اشعاری که ذیل مولانا عبید و خواجه عبید، بدون ذکر زاکانی، آمده از عبیدی دیگر است که در مقاله پیشین، به اشتباه به عبید زاکانی نسبت داده شده است. اگر این اشعار از عبید دهلوی باشد، غنیمتی است به یادگار مانده از این شاعر نگون‌بخت و مقتول هندی.

\*\*\*

در پایان دو غزل تازه که در دیوان خطی عبید زاکانی، محفوظ در کتابخانه راغب‌پاشا (شماره ۱۱۹۲) آمده، و در دو چاپ کلیات عبید زاکانی جای ندارد، معرفی خواهد شد:

گر توان با من بیچاره برآور نفسی  
که ندارم به جز از وصل تو فریادرسی  
سخن روی تو می‌گویم و نیکو سخنی  
هوس لعل لب دارم و شیرین هوسی  
گویی آن روز نبینم که سر کوی تو را  
روز بی‌محتسبی یابم و شب بی‌عسسی  
می‌دهد باز خیال تو مرا وعده وصل  
معتمد نیست کزو عشوه شنیدیم بسی

لبت از لطف میانت سخنی می‌گوید  
نشینده‌ست چنین نکته باریک کسی  
تا تو بر چهره کشیدی رقم نیل مرا  
می‌رود در غمت از هر مژه خونین ارسی  
گر طمع کرد عبید از غم تو بوسه مرنج  
چه خورد از شکرستانی مسکین مگسی

(برگ ۸۷)

چه معنی دارد این جور و جفا چه  
از این سو صلح از آن سو ماجرا چه  
خرد می‌گویم رو ترک او گیر  
چه می‌گوید خرد بهر خدا چه  
بدو گفتم که بوسی گفته‌ای گفت  
چه گفتم با که گفتم کی کجا چه  
رقیم دید در کویش فتاده  
بگفتا می‌روی زین‌جای یا چه  
بدو گفتم که جان می‌سوزدم گفت  
تو را گر رخت می‌سوزد مرا چه  
ملالت کرد دی گفتا که آخر  
چه می‌خواهد عبید از جان ما چه

(برگ ۷۹)

#### منابع

- زاکانی، عبید. دیوان. دستنویس ش ۱۱۹۲ کتابخانه راغب‌پاشا. بی‌تا.
- شهاب انصاری، حسین محمدشاه (۱۹۵۶ م). کنز الفوائد. ویرایش سید یوشع. چنای: دانشگاه مدراس.
- ضیاء برنی (۱۸۶۲ م). تاریخ فیروزشاهی. به تصحیح سید احمدخان صاحب. به اهتمام کپتان ولیم ناسولیس و مولوی کبیرالدین احمد. کلکته: بی‌نا.